

ضرورت بازاندیشی فکری در تهیه طرح هادی روستایی

فرهاد عزیزپور^۱

The necessity of conceptual rethinking in Rural Conducting Plan Farhad Azizpour¹

دریافت: ۱۳۹۱/۸/۱۰

پذیرش: ۱۳۹۱/۱۲/۲۰

Received: 30/Nov/2012

Accepted: 10/Mar/2013

Abstract

The Rural Conducting Plan (RCP) has provided an arena for physical order in villages including prohibiting illegal constructions, defining needs, designating land-use for public services, and planning for the future physical expansions, however it has caused some negative consequences for villages and villagers such as weakening the physical texture integration and weak attention to rural resident's participation. There exist several factors relating to the failure of Rural Conducting Plans to organize the rural systems among them the impact of theoretical approach towards the plan is more important. The said approach is a comprehensive planning strategy based on function-oriented theory. The present paper has a theoretical-fundamental character that applies a descriptive-analytical method. Required data are collected using a documentary method to find and to explain the basic reason (s) of the weak effectiveness of the RCPs. Findings of the present study show that revising and rethinking of the dominant conceptual system of the RCP is a necessity. It is evident that some conceptual theories and strategies are not matched with resolving complicated and ongoing needs of human societies. The paper concludes that a structural-functional strategy that has already been adopted to explain the problems of rural societies can provide an actual spatial planning base for different scales of settlement systems especially rural settlements.

Keywords: Rural guide plan; rational comprehensive planning approach; functionalism theory.

چکیده

طرح هادی، اگرچه زمینه ساز نظم مکانیکی (از جمله جلوگیری نسبی از ساخت و سازهای غیرقانونی، تعریف نیاز و تأمین کاربری‌ها و خدمات عمومی و نظم و نسق بخشی به گسترش فیزیکی) در روستا شده ولی پیامدهای منفی را نیز برای روستا و روستاییان دنبال داشته است. تضعیف انسجام بافت کالبدی، توجه ضعیف به مشارکت روستاییان و... از جمله این مسایل است. در ارتباط با ناکامی طرح هادی در سامان بخشی به نظام روستایی عوامل مختلفی اثرگذار هستند که در این میان تأثیر رویکرد نظری حاکم بر طرح (رهیافت برنامه‌ریزی جامع مبتنی بر نظریه کارکردگرایی) از اهمیت بیشتری برخوردار است. مقاله حاضر که ماهیتی نظری - بنیادی دارد با روش توصیفی - تحلیلی تدوین شده است. روش جمع آوری اطلاعات مبتنی بر روش کتابخانه‌ای است. که با هدف تبیین علت بنیانی اثر بخشی ضعیف طرح هادی روستایی تهیه شده است. پژوهش حاضر نشان داده است که تحول و بازاندیشی در تفکر حاکم بر طرح هادی امری محتوم و گریز ناپذیر است. چرا که، بسیاری از نظریه‌ها و رویافت‌های فکری بعثت تحولات گوناگون و همه جانبه در جامعه بشری، پاسخگو و راهگشا برای تبیین و حل مشکلات و نیازهای آنها نیستند. در این مقاله محقق تأکید دارد، رویکرد راهبردی پویا ساختاری - کارکردی که در تبیین برخی از مسایل جامعه روستایی کشور مورد آزمون قرار گرفته است، می‌تواند زمینه ساز کاربرد برنامه‌ریزی فضایی در سطوح و مقیاس‌های مختلف نظام سکونتگاهی بویژه نقاط روستایی قرار گیرد.

کلیدواژه‌گان: طرح هادی روستایی؛ رویافت برنامه‌ریزی جامع (خردگرا)؛ نظریه کارکردگرایی.

1. Assistant Professor of Geographical Sciences faculty, Kharazmi University
eMail: azizpour@khu.ac.ir

۱. استادیار دانشکده علوم جغرافیایی دانشگاه خوارزمی
پست الکترونیک: azizpour@khu.ac.ir

مقدمه

در دهه‌های اخیر هم در سطح ملی و هم در مقیاس جهانی شاهد روند تغییر و تحول مفهوم و اندیشه توسعه بوده‌ایم. علل بنیادی این روند تحول نه تنها ناکارآمدی بسیاری از رویکردها و دستگاه‌های فکری - نظری و تصمیم‌سازی‌های اجرایی پیشین، بلکه تحولات گوناگون و همه‌جانبه در جامعه بشری در مقیاس جهانی بوده است. بنابراین، به علت پویایی ذاتی جوامع انسانی، بسیاری از این گونه دگرگونی‌ها را می‌توان از جمله تحولات محتوم و گریزنناپذیر جامعه انسانی به شمار آورد: نکته اساسی در این میان آن است که برای همپایی با این پویش، باید قادر بود در سطوح و عرصه‌های مختلف، از جمله در عرصه اندیشه‌ورزی در باب برنامه‌ریزی توسعه، به نحوی مداوم و پویا به بازانديشي فکری - ذهنی و ارزیابی تصمیم‌سازی‌های آزموده و قالب‌های متعارف اجرایی پرداخت و با توجه به دگرگونی‌های دنیای معاصر در تمام فضاها (بویژه روستاها) به تجدید نظر در این گونه قالب‌ها دست یابید (سعیدی، ۱۳۸۲، ۴).

بررسی سیر تطور اندیشه برنامه‌ریزی توسعه در عرصه‌های فضایی (شهری و روستایی) نشانگر آن است که تصمیم‌سازان و مجریان امر برنامه‌ریزی بر بازانديشي در این حوزه تاکید داشتند. به طوری که، این اندیشه از اوایل قرن بیستم که تاکید اساسی بر برنامه‌ریزی جامع داشته با تحول در آن (در دهه ۱۹۶۰ میلادی) به سمت نگاهی نظام‌آوار (کل‌گرایانه) تغییر نگرش داد. «این نگاه جدید، که بر اصولی چون وحدت‌گرایی، نسبی‌گرایی، تکثرگرایی و زمینه‌گرایی (contextualism) تاکید دارد، مباحث و افق‌های تازه‌ای را در مقابل سیاست‌گذاران و متخصصان امور (اعم از برنامه‌ریزان شهری و روستایی) گشود» (براتی، ۱۳۸۲، ۲۲).

اندیشه برنامه‌ریزی در ایران نیز متأثر از تطور اندیشه‌ای در جهان بویژه غرب با تحول رو به رو گردیده است. تأسیس سازمان برنامه در سال ۱۳۲۷ شمسی (در چارچوب اصل چهار ترومن) بستری را فراهم ساخت تا اندیشه برنامه‌ریزی جامع (برخاسته از نظریه ارگانستی و کارکردگرایی) به رهبری مشاوران خارجی در ایران شکل گیرد. با شروع تدوین برنامه‌های توسعه و عمران اقتصادی در ایران، «نظریه برنامه‌ریزی جامع» به عنوان اندیشه‌ای گریزنناپذیر به طور رسمی و قانونی مورد پذیرش واقع گردید (تشکر، به نقل از حبیبی، ۱۳۹۰، ۲۲).

این اندیشه در نظام برنامه‌ریزی کشور به طور خاص خود را در چارچوب تهيه طرح جامع شهر (که اولین بار در میانه دهه ۴۰ در ایران تهيه شد) نشان داد. به طوری که، امروز تحولات رخ داده در

شهرهای کشور بویژه در بعد کالبدی - فضایی (در طول ۵ دهه گذشته) براینند این تفکر است. بازتاب‌های منفی این تفکر^۲ اگرچه زمینه‌های تغییر نگرش را در میان برنامه‌ریزان شهری فراهم ساخت و آنها را واداشت تا به سمت رویکرد نظام‌آوار گرایش یابند. ولی، هنوز از جنبه معرفتی و روش شناختی روح تفکر برنامه‌ریزی جامع بر طرح‌های توسعه شهری حاکم است.

اندیشه برنامه‌ریزی جامع در کشور، علیرغم پیامدهای منفی‌اش برای شهرها^۳، مورد توجه سیاست‌گذاران در برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های روستایی در قالب طرح هادی نیز قرار گرفت. این طرح که در ابتداء اصلاح و تعریض شبکه معابر را با هدف روانبخشی بافت روستایی مورد توجه قرار داده بود به مرور متأثر از ساختار طرح جامع شهر بر مداخله در سایر عناصر بافت کالبدی روستا بویژه کاربری اراضی تاکید نمود.

این طرح که تا پایان سال ۱۳۹۰ برای بیش از ۲۴۰۰۰ روستا تهيه و ۹۰۰۰ روستا اجرا گردیده، تحولی اساسی را در سکونتگاه‌های روستایی بدنبال داشته است (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۹۰). طرح هادی، اگرچه زمینه ساز نظمی مکانیکی (از جمله جلوگیری نسبی از ساخت و سازهای غیرقانونی و کنترل زمین خواری، تعریف نیاز و تأمین کاربری‌ها و خدمات عمومی و نظم و نسق بخشی به گسترش فیزیکی) در روستا شده ولی پیامدهای منفی را نیز برای روستا و روستاییان بدنبال داشته است. بر هم خوردگی سازمان فضایی، تضعیف انسجام بافت کالبدی، ایجاد عناصر ناسازگار با محیط روستا، تضعیف تنوع در عناصر بافت کالبدی، تضعیف چشم‌انداز بصری، تضعیف هویت فرهنگی، تقویت شهرگرایی، توجه ضعیف به مشارکت روستاییان و ... از جمله این مسایل است.

در ارتباط با ناگامی طرح هادی در سامان بخشی به نظام روستایی (با توجه به مسایل طرح شده) دو دیدگاه وجود دارد که به شرح زیر می‌باشند:

ساختار شرح خدمات طرح ظرفیت‌های لازم را برای بازشناسی ابعاد نظام روستایی ندارد تا بر اساس نتایج این بازشناسی، برنامه‌ریزی و طراحی مناسب انجام شود؛

ضعف در نظام تهيه (ضعف علمی مشاورین در عدم شناخت نیازهای روستاییان، ضعف مشارکت روستاییان، محدودیت منابع

۲. حبیبی (۱۳۷۵) عقیده دارد شهر ایرانی در فرایند تاریخی خود تحت تأثیر برنامه‌های درون‌زا و برون‌زا از شهر معبد به شهر قدرت، سپس شهر سراب و امروز نیز شهر نیرنگ تغییر ماهیت داده است.

۳. برای اطلاع بیشتر ر. ک به حبیبی، ۱۳۷۵؛ حبیبی و همکاران، ۱۳۹۰؛ عزیزپور و همکاران، ۱۳۹۰؛ تشکر، ۱۳۷۹.

۱. ضمناً در این خصوص نگاه کنید به حبیبی، ۱۳۹۰: ۲۳-۲۱.

می‌گردد. اصلاح و تعریض شبکه معابر روستایی مهم‌ترین هدفی بود که این طرح دنبال می‌کرد (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲، ۳۶).

بازتاب تغییرات فیزیکی این طرح در برخی از روستاهای استان همدان به قدری بود که توجه سیاست‌گذاران کشور را با هدف رفع محرومیت از سکونتگاه‌های روستایی جلب نمود. از این رو، با تصویب ماده واحده مجلس شورای اسلامی این طرح تهیه و اجرا شد. با موفقیت این طرح در استان همدان، مجلس شورای اسلامی با مصوبه دوازدهم دیماه ۱۳۶۲ و تایید شورای نگهبان تهیه و اجرای طرح دیگری با عنوان طرح جامع و بهسازی تعریف گردید که می‌بایستی بعنوان طرح فرادست طرح روانبخشی با هدف شناخت روستاهای پرجمعیت و قابل توسعه، تعیین نقش‌های اقتصادی و حوزه‌های عملکردی (حوزه های خدمات رسانی) تهیه شود (همان، ۳۷).

این طرح‌ها در سال‌های بعد با تغییر نام تحت عناوین «طرح هادی روستایی» و «طرح بهسازی روستایی» با اهدافی مشابه و بطور موازی به ترتیب توسط بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و جهاد کشاورزی (جهاد سازندگی سابق) در مقیاس ملی تهیه و اجرا گردیدند. البته، تهیه و اجرای طرح‌های مزبور در برنامه سوم توسعه کشور بمنظور حذف موازی کاری بر عهده بنیاد مسکن انقلاب اسلامی قرار گرفت (حسینی حاصل و عزیزپور، ۱۳۸۴، ۴).

بر پایه آمار ارایه شده توسط بنیاد مسکن، طرح هادی روستایی تا پایان برنامه چهارم، برای ۲۴۶۸۰ روستا تهیه و برای ۱۰۰۱۸ روستای کشور به اجرا رسیده است (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۹۱، ۲۸ و ۴۰).

مبانی فکری حاکم بر طرح هادی روستایی

کنکاش در ادبیات مربوط به طرح هادی روستایی نشان می‌دهد در هیچیک از منابع به طور مشخص به بحث در زمینه رویکرد نظری طرح هادی روستایی پرداخته نشده است. اما، مبتنی بر تعریف، اهداف و ساختار شرح خدمات بویژه تاکید اساسی بر سه مولفه شناخت، تحلیل و طرح می‌توان به این نتیجه رسید که طرح هادی روستایی با الگو برداری از طرح جامع شهر، متأثر از رهیافت برنامه‌ریزی جامع (خرد گرا) است.

رهیافت برنامه‌ریزی جامع شکل تکامل یافته برنامه‌ریزی کالبدی است که در دهه های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ میلادی در کشورهای بیشتر توسعه یافته (more developed countries) رایج بود. این رهیافت همواره در پی آن بوده که پیچیدگی عوامل موثر بر تصمیم‌های کالبدی - شامل ویژگی‌های جمعیت‌شناسی و اجتماعی

اعتباری و ...)، ارزیابی، تصویب و پایش طرح سبب گردیده تا طرح در مسیری خارج از اهداف خود قرار گیرد.

در ارتباط با این دو دیدگاه، بررسی‌ها نشان می‌دهد که: از ابتدای تعریف طرح هادی تا به امروز در ۵ مقطع زمانی تغییرات اساسی در ساختار شرح خدمات بوجود آمده است (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹، ۵۶)؛ و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی به عنوان متولی تهیه‌کننده طرح هادی، از سال ۱۳۸۶ اقداماتی نظیر طراحی سازوکار ارزیابی طرح‌های تهیه شده، ارزیابی مشاورین تهیه‌کننده طرح، تدوین شیوه نامه تهیه طرح هادی روستایی، تعیین عاملین چهارم برای نظارت بر تهیه طرح، بازنگری در نظام تصویب طرح و ... را برای ارتقای سطح کمی و کیفی طرح‌ها انجام داده است (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۹۱).

حال، در اینجا این سوال اساسی طرح می‌گردد که پس چه عاملی در ناکامی طرح هادی برای حل مسایل سکونتگاه‌های روستایی حداقل در بعد کالبدی نقش داشته است؟

محقق براساس بررسی‌های اکتشافی اولیه براین عقیده است که: «نظریه کارکردگرایی - در قالب رهیافت برنامه‌ریزی جامع (خردگرا) - حاکم بر طرح، عامل اساسی در اثربخشی ضعیف طرح هادی قلمداد می‌شود».

روش تحقیق

مقاله حاضر که ماهیتی نظری - بنیادی دارد با روشی توصیفی - تحلیلی تدوین شده است. روش جمع‌آوری اطلاعات مبتنی بر روش کتابخانه‌ای است که با هدف تبیین علت بنیانی اثربخشی ضعیف طرح هادی روستایی تهیه شده است. در این راستا محقق، با بیان نقاط مثبت و ضعف طرح هادی بر اساس ارزیابی‌های انجام گرفته به تبیین نقش مبنای نظری حاکم بر طرح هادی روستایی در چارچوب اصول پایه‌ای نظریه کارکردگرایی پرداخته است.

سابقه تهیه و اجرای طرح هادی در ایران

پس از پیروزی انقلاب اسلامی مهم‌ترین طرحی که با توجه خاص در نقاط روستایی و با هدف بهبود وضعیت ابعاد اجتماعی - اقتصادی و بویژه کالبدی تهیه و به مرحله اجرا رسیده، طرح هادی روستایی است. تعریف این طرح به ایده تهیه و اجرای طرحی تحت عنوان «طرح اصلاحی - روانبخشی روستاها» در استان همدان بر

۱. در سال ۱۳۹۰ حوزه معاونت عمران روستایی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی برای ششمین بار ساختار شرح خدمات طرح هادی روستایی را با هدف توجه به ابعاد اجتماعی - اقتصادی و مشارکت مردمی مورد بازنگری قرار داده است ولی هنوز به تصویب مراجع ذیصلاح نرسیده است.

جمعیت، ویژگی‌های ساختار اقتصاد (چون درآمد و پایه اقتصاد در سطوح منطقه‌ای و محلی)، عوامل حمل و نقل (چون الگوهای سفر و شبکه‌های حمل و نقل) را شناسایی کند. همه این عوامل به صورت یک فرایند برنامه‌ریزی تحلیلی و عقلانی در نظر گرفته می‌شود. طی دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ میلادی این مدل در برنامه‌ریزی کاربرد زمین در کشورهای بیشتر توسعه یافته و پس از آن نیز در برنامه‌ریزی کاربرد زمین در کشورهای کمتر توسعه یافته، چیرگی خود را نگه داشته است (عبدی دانشپور، ۱۳۸۷، ۹۵).

این رهیافت^۱ توسط گدس و شاگرد نام آورش لوییز مامفورد با استفاده از اصول بوم و زیست‌شناسی، در تلفیق با نظریه کارکردگرایی شهرسازی مدرن را بنا نهادند (حبیبی و همکاران، ۱۳۹۰، ۲۵).

این رهیافت دارای ویژگی‌هایی است که مهمترین آنها عبارتند از (افتخاری و همکاران، ۱۳۹۰، ۱۵۷).

* عقلایی بودن و تاکید بر فنون متخصصان؛

* توجه به اصول مشترک فضاها و ارایه الگوی همسان؛

* توجه به کمیت محیطی (نگاه رشدگرایانه)؛

* برنامه‌ریزی از بالا به پایین؛

* برنامه محوری؛

* تاکید و توجه به سخت افزار؛

* نگاه به انسان‌ها (شهروندان) تنها بعنوان ارایه‌کنندگان اطلاعات؛

* تاکید بر توسعه روش‌ها، فنون و تکنیک‌های برنامه‌ریزی.

رهیافت برنامه‌ریزی جامع در طول عمر به نسبت طولانی خود - با توجه به ویژگی‌هایش - به میزان گسترده‌ای مورد انتقاد قرار گرفته که عمدتاً به طور ضمنی به پایه‌های شناخت شناسی اثبات باور اشاره دارند. اما در این بین دو مشکل از اهمیت بیشتر برخوردار است که به شرح زیر می‌باشند:

* مرکزگرایی زورمدار: در تجارب مختلف و به شکل‌های گوناگون و بویژه توسط شکل‌های رقیق شده مشارکت رسته‌ای (corporate participation)، بر این مشکل سرپوش گذاشته است. اما، بدلیل آن که موضوع اصلی، خودسرانگی و یگسوانگری تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیرندگان در سطوح مختلف جغرافیایی نسبت به مشارکت مردم است، این مشکل (در بسیاری جوامع)

مقاومت زیادی از خود نشان داده و پا برجا مانده است (عبدی دانشپور، ۱۳۸۷، ۱۷۲)؛

* پابرجایی جبریت (جبرباوری) کالبدی: این مشکل در رهیافت ساده - جامع وجود دارد. بدلیل اختیار یک نگرش کارکردی (که به پدیدیه شهری از نظر چونگی کارکرد آن نگریسته می‌شود) چنان اثری بر تحلیل‌های برنامه‌ریزی مبتنی بر رهیافت عقلانی - جامع وارد می‌شود که سیاست (خط مشی)ها - حتی در صورتی که بر پایه مطالعات اجتماعی - اقتصادی شکل گرفته باشند - شکل راه حل‌های کالبدی را به خود می‌گیرند (همان، ۱۷۲)؛

* محوریت عقلانیت ابزاری: تاکید بر عقلانیت ابزاری بجای عقلانیت انتقادی مبتنی بر روش شناسی پوزیتیویستی که زمینه‌ساز علم‌گرایی نابجا، فن‌سالاری بیش از حد و تخصص‌گرایی منجر به منافع خود در رهیافت برنامه‌ریزی جامع (خردگرا) شده است (اجلالی، ۱۳۹۱، ۱۰۰).

* بی‌توجهی به تضاد منافع میان گروه‌ها و طبقات اجتماعی: برنامه‌ریزی امری سیاسی است و با مصالح و منافع گروه‌های مختلف مردم و قدرت ارتباط دارد. بنابراین، بدون توجه به منافع و مصالح گروه‌های اجتماعی و توازن و مبارزه قدرت میان آنها امکان‌پذیر نیست (همان، ۱۳۰).

چالش‌هایی که این رهیافت با آن رو برو است، اساساً ریشه‌اش به مبانی اندیشه‌ای این رهیافت برمی‌گردد که بر پیش فرض‌هایی تاکید دارد که لاجرم از آن بایستی تبعیت نماید. همان طوری که بیان گردید، مبنای نظری این رهیافت برخاسته از نظریه کارکردگرایی است (احمدیان، ۱۳۸۲، ۱۳).

کارکردگرایی محصول علم مدرن بوده و متناسب با فرهنگ سودمندگرایی طبقه بورژوا در آمریکا شکل گرفته است (فصیحی، ۱۳۸۹، ۱۱۰). مهم‌ترین زمینه اجتماعی مؤثر بر کارکردگرایی رشد فرهنگ سودمندی مبتنی بر مکتب اصالت لذت‌بتامی در میان طبقه متوسط بورژوازی در فرانسه است. تأکید بر سودمندی یک پدیدیه و عمل انسانی، نسبی‌گرایی، نفی معیارهای ماورایی در ارزشیابی اشیا، تضعیف ارزش‌های دینی و اخلاقی و تفکیک میان اخلاق و قدرت، مهم‌ترین ویژگی‌های فرهنگ اصالت سودمندی است. آنچه در فرهنگ اصالت سودمندی ارزشمند قلمداد می‌گردد، سود مادی و اقتصادی اشیا و حتی انسان است و هیچ امر مقدسی وجود ندارد (فصیحی، ۱۳۸۹، ۱۱۲).

نظریه کارکردگرایی در چارچوبه مفهومی خود در حوزه هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی بر مفروضاتی تاکید دارد که رهیافت برنامه‌ریزی جامع (خردگرا)

۱. در ایران متاثر از انقلاب مشروطیت و قانون مند شدن رابطه دولت و مردم، تحوّل از سنت به مدرنیسم در عصر پهلوی و گسترش شهر تهران و کلان شهرهای امروزی، مداخله‌گری دولت مقتدر با رانت‌های نفتی این مدل مورد توجه قرار گرفت و اولین طرح شهری با عنوان طرح جامع شهر براساس این رهیافت در سال ۱۳۴۰ تهیه شد.

دانشمند باید تلاش کند تا آن را کشف نموده و از این مسیر به توصیف، تبیین و پیش بینی بپردازد.

روش‌شناسی^۴

از حیث روش، کارکردگرایی معتقد است، انسان مانند شی و پدیده‌های اجتماعی مثل پدیده‌های طبیعی دارای وجود مستقل و قانونمندند. کار دانشمند اجتماعی، کشف قوانین حاکم بر آن است. به همین دلیل، از آن به رهیافت قانون بنیاد تعبیر می‌شود که بر تحقیق روشمند، نظام‌مند و براساس اصول دقیق علمی در علوم طبیعی تأکید می‌ورزد.

مدل کارکردی در پی یافتن منطق عمومی در جامعه انسانی است. مطابق این دیدگاه، جامعه به عنوان نظام و یا کل مرکب از اجزاء تلقی می‌شود که در اکثر موارد این گونه نظام‌ها دارای نیازها و ضرورت‌هایی تلقی می‌شوند که می‌بایست برآورده شوند تا بقا را تضمین نمایند و اجزای تشکیل‌دهنده آن در این مسیر عمل می‌نمایند.

پیامدهای مکانی - فضایی طرح هادی بر سکونتگاه‌های

روستایی

امروزه فعالیت‌های برنامه‌ریزی (اعم از شهری و روستایی) ما به خوبی نشان می‌دهد که در دوران سرگشتگی قرار داریم. اگر منتقدان غربی نزدیک به پنج‌دهه است که به نادیده گرفتن ارزش‌های فضایی در برنامه‌ریزی شهری غربی ایراد می‌گیرند و نوسازی‌های بعد از جنگ جهانی دوم شامل بلند مرتبه‌سازی‌ها و احداث شهرهای جدید را مورد پرسش قرار می‌دهند، و یا نظریه‌های کم‌دوام و گذرای دهه اخیر را که در شرایط بحران فرهنگی و فلسفی غرب چند روزی شهرت یافته، نقد می‌کنند، ما به تکرار اشتباه‌ها و تقلید نادرست آثار ایشان می‌پردازیم و خطاهای گران‌گرم را تکرار می‌کنیم (توسلی، ۱۳۷۴، ۳۹). تهیه طرح جامع در شهرها و متعاقب آن طرح هادی در روستاهای کشور از این دست هستند. ارزیابی‌های انجام گرفته از طرح هادی روستایی (هم از جنبه فرایند تهیه و هم از جنبه اثر بخشی اجرا) نشان داده است این طرح علیرغم اثرات مطلوب در ایجاد نظمی مکانیکی از جمله جلوگیری نسبی از ساخت و سازهای غیرقانونی و کنترل زمین

۳. معرفت‌شناسی در برگیرنده ایده‌های بنیادی ما درباره ماهیت شناخت، نحوه دستیابی به دانش و شیوه انتقال آن به دیگران است. به عبارتی، معرفت‌شناسی حاوی داعیه‌هایی در باره این امر است که چگونه می‌توان چیزی را که وجود آن پذیرفته شده است، شناسایی کرد.

۴. روش‌شناسی، به معنای مباحث مربوط به چگونگی انجام پژوهش، باید‌ها و نباید‌ها و تحلیل انتقادی از روش‌های پژوهش است.

شدیدا از آن تاثیر پذیرفته است، این مفروضات در چارچوب مولفه‌های مزبور به شرح زیر هستند:

هستی‌شناسی^۱

تصویری که کارکردگرایان از هستی ارائه می‌دهند، واقع‌گرایند. یعنی کارکردگرایان معتقدند جهان اجتماعی خارج از ما و بدون ارتباط با شناخت ما به منزله موجودات تجربی وجود دارند که همسان با جهان طبیعی از ساختارهای خشک، ملموس و نسبتاً تغییرناپذیر تشکیل شده است و فرد در آن به دنیا می‌آید و زندگی میکند بدون اینکه هیچ تأثیری بر آن داشته باشد.

مسئله‌ای دیگر که کارکردگرایی در ارتباط با جامعه بر آن تأکید دارد تشبیه آن به ارگانسیم و یا بعبارت دیگر به اندام است. در این زمینه، این نظریه اگرچه دارای پیش فرضهای خاصی است. اما، در این میان سلطه رابطه کارکردی میان اجزاء جامعه از اهمیت بیشتری برخوردار است. بدین معنا که، رابطه عناصر تشکیل‌دهنده ساختار اجتماعی با همدیگر و با کل جامعه از نوع رابطه کارکردی است که در تحلیل این اجزاء، کارکرد آنها در تأمین نیازهای نظام در کانون توجه قرار می‌گیرد.

انسان‌شناسی^۲

پیش فرض‌های اساسی کارکردگرایان نسبت به انسان عبارتند از:

الف) جبرانگاری: کارکردگرایی با برتر تلقی نمودن جامعه نسبت به انسان، انسانیت بدون جامعه را منتفی دانسته و مدعی است انسان تابع و مقهور محیط و ساختارهای اجتماعی و محصول توأمان اجتماعی شدن و همکاری است. در نتیجه، انسان خوب، انسانی است که وظایف محول جامعه را به خوبی انجام دهد.

ب) ارضانپذیری انسان: کارکردگرایی مدعی است انسان ذاتاً ارضان‌شدنی نیست. از این رو، ثبات اجتماعی را مرهون اعمال محدودیت‌های اخلاقی می‌داند، نه افزایش رضامندی انسان.

معرفت‌شناسی^۳

کارکردگرایی از جهت معرفت‌شناسی، اثبات‌گرا است. اینان، معتقدند جهان اجتماعی مانند جهان طبیعی دارای اجزا و عناصری اند که روابط تأثیر و تأثیری میان آنها حاکم است. بنابراین،

۱. پیش فرض‌های هستی‌شناسی به بررسی جوهر پدیده‌هایی می‌پردازند که محقق درصدد تحقیق درباره آنهاست.

۲. انسان‌شناسی، معرفتی است که به بررسی انسان یا بعد یا ابعادی از وجود او، یا گروه و قشر خاصی از انسانها می‌پردازد.

خواری، تعریف نیاز و تأمین کاربری‌ها و خدمات عمومی و نظم و نسق بخشی به گسترش فیزیکی، اثرات نامطلوبی نیز بدنبال داشته است که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌نمایم:

اثرات محیط طبیعی - اکولوژیک

* نابودی اراضی مساعد و حاصلخیز کشاورزی (محمدزاده، ۱۳۸۶، ۱).

* ضعف در هدایت آب‌های سطحی در روستاها (آمار و صمیمی شامی، ۱۳۸۸، ۵۲-۵۴) (ترکاشوند و همکاران، ۱۳۸۷، ۲۳-۲۴). یکسان اجرا شدن جداول و کانو در تمام روستا بدون توجه به تفاوت‌های محیطی و محلی و عدم توجه از نظر ورود و خروج آب‌های سطحی به داخل معابر سبب آبگرفتگی قسمت‌هایی از بافت روستا و یا راکد ماندن آنها شده است. نبود تناسب بین ابعاد جدول‌ها با میزان رواناب ناشی از بارندگی منطقه و سرگردانی آب‌های سطحی در ورودی، خروجی و داخل بافت روستا از جمله مسائل قابل توجه در پیوند با اثرات طرح هادی می‌باشد (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸، ۲۲۴).

* تعیین جهت گسترش فیزیکی روستا در پهنه‌های لغزشی و ایجاد ساخت‌وساز در آن بدون توجه به آسیب‌های بستر محیط طبیعی (همان، ۲۲۰).

اثرات اجتماعی - فرهنگی

* بروز ناپسامانی‌های اجتماعی در برخی از روستاها (زرافشانی و همکاران، ۱۳۸۹، ۱۵۹).

کاهش امنیت روحی و روانی روستاییان متأثر از افزایش سرعت اتومبیل در روستا؛

* عدم همخوانی مداخلات کالبدی با دانش بومی روستاییان (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸، ۲۱۷)

* کم توجهی به جبران خسارت‌ها ناشی از تخریب و عقب نشینی املاک و اماکن روستایی (همان، ۲۹۹)

* عدم احساس تعلق مردم و نهادهای محلی به دستاوردی طرح بعثت اجرای نامطلوب طرح خصوصاً از لحاظ کیفی (همان، ۲۳۳).

اثرات اقتصادی

* ورود دلالتان زمین که موجب قطعه قطعه شدن اراضی شده است (زرافشانی و همکاران، ۱۳، ۱۵۹).

* عدم انطباق سرانه کاربری‌های پیشنهادی با نوع فعالیت اقتصادی برخی از سکونتگاه‌های روستایی (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸، ۲۳۵).

* افزایش رشد شتابان نرخ زمین و ملک در غالب سکونتگاه‌های روستایی (همان، ۲۴۲).

* بی‌عدالتی فضایی قیمت زمین و مسکن در سطح سکونتگاه‌های روستایی متأثر از مداخله کالبدی در معابر اصلی (همان، ۲۴۲).

اثرات کالبدی

* گسستگی در بافت کالبدی روستاها (ترکاشوند، ۱۳۸۸، ۱).

* گسترش ساخت و سازهای خارج از محدوده و تغییر کاربری اراضی کشاورزی به مسکونی (زرافشانی و همکاران، ۱۳۸۹، ۱۵۹).

* ایجاد تضادهای ساختاری شدید در بافت کالبدی روستا از جمله تفکیک اراضی به صورت شطرنجی در حاشیه بافت بدون توجه با ساختار فضایی و شکلی بافت (زارعی، ۱۳۸۸، ۶۲).

* اضمحلال برخی از سطوح در سازمان فضایی روستا نظیر واحد همسایگی (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸، ۲۱۴).

* تعریض بیش از حد معابر در برخی از روستا و تأکید بر اهمیت اتومبیل تا انسان روستایی (همان، ۲۱۶).

تضعیف الگوی سیمای بومی روستاها متأثر از افزایش تراکم و ... (همان، ۲۱۸) و (سعیدی، ۱۳۸۳، ۱۷).

* ناکارآمدی مسیرهای عابر پیاده و کشاندن روستاییان در معابر سواره (همان، ۲۱۵).

* توسعه کیفی یک بعدی (بهسازی معابر) سکونتگاه روستایی (همان، ۲۱۹).

عدم شکل‌گیری کاربری‌ها متناسب با نیاز روستاییان (همان، ۲۱۹).

نگاهی تبیینی به مساله با هدف کشف عوامل و نیروهای اثرگذار موثر بر پیامدهای مکانی - فضایی طرح هادی بر سکونتگاه‌های روستایی نشان داده است که عواملی از اهمیت بالایی برخوردار هستند که اهم آنها به شرح زیر است:

* ضعف مشارکت روستاییان و نهادها محلی در فرایند تهیه طرح‌ها (سعیدی، ۱۳۸۳، ۱۷)، (عبدی‌نژاد، ۱۳۸۶، ۲۰)، (زرافشانی و همکاران، ۱۳۸۹، ۱۶۶)، (عظیمی و جمشیدیان، ۱۳۸۴، ۱).

* غیبت مدیریت مناسب محلی (سعیدی، ۱۳۸۳، ۱۶).

* فاصله چشمگیر میان یافته‌های مطالعاتی و تمهیدات اجرایی طرح‌های روستایی (همان، ۱۷).

* عدم پاسخگویی طرح‌ها به الزامات و نیازهای امروزین سکونتگاه‌های روستایی (همان، ۱۷).

* تأکید بر الگویی یکنواخت در مداخله کالبدی سکونتگاه‌های روستایی بدون توجه به تنوع و تفاوت‌های محیط

سوی دیگر، در غیاب ساختارهای متناسب حقوقی و نظارتی، کاربری‌ها تغییر می‌یابند و پس از چندی، روستا به شهر یا شهرکی خدمت‌مندی، بدور از سرشت تولیدی خود، تبدیل می‌شود» (سعیدی، ۱۳۹۱، ۱۲). این در حالی است که، فضای روستایی نظامی است که دارای ویژگی‌های ساختاری - کارکردی در ابعاد مختلف اجتماعی - اقتصادی و کالبدی (فیزیکی) است. هدف این نظام، حرکت به سمت پایداری است و تمام عناصر در این مسیر از کارکرد خاصی برخوردارند. به طوری که، انحراف و اختلال در یک جزء نظام، به ویژه اجزای برجسته آن اختلال در سایر اجزاء را نیز در پی دارد. عبارتی دیگر، تحول کالبدی نبایستی بدون تحول اجتماعی - اقتصادی فضای روستایی انجام گیرد. چراکه، بعلاوه اجتماعی بودن روستا، ماهیت انسانی آن بر ماهیت طبیعی‌اش (کالبدی) برتری دارد.

انسان شناسی

همان‌طور که پیشتر در بحث خصایص نظریه کارکردگرایی به آن اشاره داشتیم، اولین و مهم‌ترین اشکال انسان‌شناختی کارکردگرایی نگاه جبرانگاری آن به انسان است. این در حالی است که خواسته‌های ذاتی انسان و خصوصیات روانی وی بر ساختارهای اجتماعی تقدم دارد (فصیحی، ۱۳۸۹، ۱۲۳).

طرح هادی روستایی با هدف ایجاد نظم در بهره‌برداری از فضا و جلوگیری از تغییر و دگرگونی در سکونتگاه‌های روستایی تعریف شده است. این طرح، سازوکاری است برای جلوگیری از رفتارهای اتفاقی انسان در فضا؛ تا زمینه را برای قابل‌پیش‌بینی ساختن رفتارهایی که متأثر از نیازهای جدید و یا خلاقیت‌های فردی پدید می‌آیند؛ فراهم نمایند. در این بین، برنامه‌ریزان بجای توجه به برابری، آزادی و خوشبختی انسان - و یا عبارتی نیازهای اساسی - به برقراری نظم (آن هم کالبدی) و جامعه‌پذیری روستاییان از طریق تعیین ضوابط و مقررات فیزیکی مشترک اقدام می‌کنند. البته در تعیین این ضوابط و مقررات (یا عبارتی هنجارهای مورد توجه برنامه‌ریزان) نیز به منشأ ای فراروستایی (شهری) توجه دارند. در نتیجه، هیچ وقت به منشأ هنجارها، نحوه تغییر و توسعه آنها توجه ندارند. بر مبنای این نگاه، انسان روستایی نمی‌تواند خالق ضوابط و مقررات متناسب با مقتضیات خود در بهره‌برداری از فضا باشد. بلکه، این برنامه‌ریز است که با دانش خود می‌تواند در خلق ضوابط و مقررات البته با منشاء ای فراروستایی برای کنترل رفتار روستاییان عمل نماید.

نکته دیگر که از این جنبه مورد توجه است، نگاه ابزاری کارگزاران دولتی به روستایی در راستای منافع دستگاهی است. این

صیبی - اکولوژیک و اجتماعی - اقتصادی آنها (همان، ۱۷).

* غفلت مشاوران و مجریان از ظرفیت‌های محیط طبیعی روستاها (غلامرضایی، ۱۳۸۲، ۳۹).

* عدم توجه به واقعیت‌های اجتماعی - اقتصادی روستا (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲، ۱۰۳) و (زارعی، ۱۳۸۸، ۶۲).

* انعطاف‌ناپذیری طرح‌های هادی تهیه شده (قهاری، ۱۳۸۶، ۲۳).

نقش اصول نظریه کارکردگرایی - در قالب رهیافت برنامه‌ریزی جامع (خردگرا) - در بروز نارسایی‌های طرح هادی

پیامدهای طرح هادی متأثر از عوامل و نیروهای اثرگذار که غالباً ماهیتی معرفتی و روش‌شناختی دارند اساساً مبتنی بر مفروضات رویکرد نظری حاکم بر طرح هادی روستایی است. همان‌طور که قبلاً بیان گردید، رهیافت برنامه‌ریزی جامع (خردگرا) متأثر از نظریه کارکردگرایی پایه فکری این طرح را تشکیل می‌دهد. واکاوی پیامدها و عوامل اثرگذار بر بروز آنها در چارچوب مفروضات نظریه مزبور - براساس مولفه‌هایی نظیر انسان‌شناختی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی - نقاط ضعف طرح هادی روستایی را بیشتر نمایان می‌سازد. بنابراین، در اینجا به بررسی تاثیر مفروضات رهیافت برنامه‌ریزی جامع (خردگرا) متأثر از نظریه کارکردگرایی در بروز نارسایی‌های طرح هادی در چارچوب مولفه‌های مذکور می‌پردازیم.

هستی شناختی

در چارچوب طرح هادی روستایی، بعد مادی فضای روستایی که دارای تجلی کالبدی است، از اهمیت بیشتری برخوردار است. به همین علت، بعد اجتماعی - اقتصادی که ماهیتی معنایی دارد، مورد توجه قرار نمی‌گیرد. «آنچه به راستی اتفاق می‌افتد، تغییر در بافت کالبدی روستا، آن هم در حد شبکه معابر و پس و پیش کردن واحدهای مسکونی و تاسیساتی است. حال آن که این گونه تغییر که در جای خود می‌تواند به بهبود شرایط عمومی روستا کمک کند، به تغییرات ناخواسته کارکردی منجر می‌شود. اراضی روستایی، بویژه در لبه‌های معابر، ماهیت خود را به عنوان عامل تولیدی از دست می‌دهند و به کالا تبدیل می‌شوند؛ با تغییر الگوی مسکن، بسیاری از عوامل و فضاهای معیشتی از فعالیت اقتصادی حذف می‌شوند و نهایتاً، منابع کمیاب روستا، آب و زمین، به خدمت ساخت و ساز و الگوی زیستی شبه شهری در می‌آیند. از

مساله را در طرح هادی روستایی هم در تهیه و هم در اجرا می‌توان مشاهده کرد. بدین صورت که، برای کارگزاران دولتی آنچه اهمیت دارد فایده‌مندی پروژه در تهیه و اجرا برای دستگاه اجرایی (بویژه از بعد کمی) است. در این نگاه، رضایت‌مندی روستاییان چندان مورد توجه نیست. به طوری که، دستگاه‌های اجرایی بجای کسب رضایت‌مندی از روستاییان بدنبال رضایت‌مندی دولتی هستند.

معرفت شناسی

از نظر معرفتی طرح هادی روستایی دارای رویکردی اثباتی است. و این خود نیز متأثر از تاکید یکی دانستن جهان انسانی با جهان مادی از بعد هستی‌شناختی است. با توجه به حاکمیت رویکرد اثباتی، الگوی برنامه‌ریزی در طرح هادی روستایی متأثر از الگوی خطی مبتنی بر فرایند سه گانه شناخت، تحلیل و طرح استوار است. این الگو اصولاً دارای محدودیت‌هایی است که نمی‌تواند شناختی همه جانبه و دقیق از کلیات حیات روستا و تحولات آن به دست دهد. زیرا قبل از هر چیزی وابسته به اجزای یک نظام است تا بررسی ساختار کلی آن، و این خصیصه با توجه به ماهیت پیچیده و پویای روستا، استفاده از روش مذکور را با محدودیت‌های زیادی مواجه می‌سازد.

روش شناسی

توسعه و گسترش جهان‌بینی جزء نگر در چارچوب منطبق دکارتی زمینه‌ساز ظهور روش‌شناسی کمی شد که برای کشف واقعیات اجتماعی پدیده را بایستی به اجزایی خردتر تقسیم نمود و آن بخشی که به حس در می‌آمد مورد بررسی قرار داد. این روش‌شناسی در طرح هادی نیز مورد توجه قرار گرفت. تاکید بر روش‌ها، فنون و ابزار کمی (فن محوری)، محوریت برنامه‌ریزان و تخصص آنها در ارائه برنامه و طرح توسعه، پهنانگری در مطالعه با حضور کوتاه‌مدت در روستا و مراجعه به افرادی خاص مصادیق این روش‌شناسی در تهیه طرح هادی است.

نتیجه‌گیری و ارایه پیشنهاد

نگاهی به عوامل موثر بر بروز پیامدهای تهیه و اجرای طرح هادی روستایی (بویژه ضعف مشارکت روستاییان و نهادها محلی در فرایند تهیه طرح‌ها، تاکید بر الگویی یکنواخت در مداخله کالبدی سکونتگاه‌های روستایی بدون توجه به تنوع و تفاوت‌های محیط صیعی - اکولوژیک و اجتماعی - اقتصادی آنها و ...) و مقایسه آنها به مفروضات نظریه کارکردگرایی بر این نکته تاکید دارند که تحول و بازاندیشی در تفکر حاکم بر طرح هادی امری

محتوم و گریزناپذیر است. چرا که، بسیاری از نظریه‌ها و رهیافت‌های فکری بعثت تحولات گوناگون و همه جانبه در جامعه بشری، پاسخگو و راه‌گشا برای تبیین و حل مشکلات و نیازهای (به علت پویایی ذاتی جوامع انسانی) آنها نیستند. ظهور نظریات و رهیافت‌هایی چون پسا ساختارگرایی، پسامدرنیسم، توسعه پایدار و ... دلیلی بر این مدعی است.

کارگزاران طرح هادی روستایی - متأثر از ارزیابی‌های انجام شده - اگرچه در این زمینه تلاش نمودند. ولی، نتایج تلاش آنها صرفاً منجر به افزودن متغیرهایی چون مشارکت به ساختار شرح خدمات گردید. این اقدام، بعثت تضادش با مفروضات تفکر حاکم بر طرح بجای تحول محتوایی، تحولی شکلی در ساختار شرح خدمات طرح ایجاد نمود و به آن ماهیتی التقاطی بخشید. این نوع تحول، نه تنها زمینه‌ساز رفع پیامدهای بازگفته نمی‌گردد بلکه زمینه بروز پیامدهای دیگری را نیز در سکونتگاه‌های روستایی فراهم می‌نماید.

برای حل این مشکل بررسی ادبیات نظری نشان داده است اگرچه می‌توان نظریات و رهیافت‌هایی جدید را مورد توجه قرار داد ولی در این میان رویکرد راهبردی پوشش ساختاری - کارکردی^۱ که در تبیین برخی از مسایل جامعه روستایی کشور مورد آزمون قرار گرفته است می‌تواند زمینه ساز کاربرد برنامه‌ریزی فضایی در سطوح و مقیاس‌های مختلف نظام سکونتگاهی بویژه نقاط روستایی قرار گیرد. «فرض اساسی رویکرد "پوشش ساختاری - کارکردی" بر این واقعیت استوار است که میان ساختار و کارکرد تمام پدیده‌های جغرافیایی، در اینجا نظام‌های فضایی، همچون شهرها، روستاها، مناطق و نواحی، نوعی پیوند تنگاتنگ و غیرقابل انکار بر قرار است که مجموعه حاصل از آن قابلیت‌های آن نظام را نمایندگی و تحقق‌پذیر می‌کند. در این چارچوب، ساختارهای کالبدی، اعم از ساخت‌های طبیعی و یا انسان ساخت، در ارتباطی تنگاتنگ با ساخت‌های اجتماعی - اقتصادی قرار دارند؛ البته، آشکار است که هر دو اینها خود به عنوان نظام‌های فرعی نظام اصلی فضایی عمل می‌کنند. به همین ترتیب، کارکردهای مختلف نظام، چه کارکردهای محیطی و چه کارکردهای اجتماعی - اقتصادی نیز هر یک به عنوان نظامی فرعی، با یکدیگر تعامل معنادار دارند. در نهایت، تمام نظام‌های فرعی هم، اعم از نظام‌های

۱. دیدگاه پوشش ساختاری - کارکردی برآمده از سال‌ها اندیشه و کار آقای دکتر عباس سعیدی در چارچوب پارادایم فضایی در جغرافیا است. این دیدگاه از لحاظ تاریخی بر چهار بنیاد نظری «منطق علمی ایمانوئل کانت و فلسفه دیالکتیک (دیالکتیک عینی) هگل، رویکرد سیستمی (نظام‌وار)، پارادایم فضایی استوار است. ضمناً برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به (سعیدی، ۱۳۹۰، ۷-۱۶) و (سعیدی، ۱۳۹۱، ۱-۱۸).

- زارعی، یاسر (۱۳۸۸)، نقدی بر طرح هادی روستایی، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۲۷، پاییز؛

- زرافشانی، کیومرث (۱۳۸۹)، ارزشیابی کیفی اجرای طرح هادی در روستای کرناچی شهرستان کرمانشاه - کاربرد نظریه بنیانی، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، شماره ۳، پاییز .

- سرتیبی پور، محسن (۱۳۸۲)، ارزیابی تهیه طرح هادی روستایی (طرح پژوهشی)، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران .

- سعیدی، عباس (۱۳۹۱)، پوشش ساختاری - کارکردی: رویکردی دلی در برنامه‌ریزی فضایی، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال اول، شماره ۱، پاییز؛

- سعیدی، عباس (۱۳۹۰)، پوشش ساختاری - کارکردی رویکردی نظام‌وار در مطالعات مکانی - فضایی، جغرافیا (فصلنامه علمی - پژوهشی انجمن جغرافیای ایران)، سال نهم، شماره ۲۹، پاییز؛

- سعیدی، عباس (۱۳۸۳)، نگاهی به فراز و فرود طرح‌های هادی روستایی، مجله دهیاری‌ها، شماره ۱۰، آبان .

- سعیدی، عباس (۱۳۸۲)، شالوده‌های مکانیابی و استقرار روستاهای جدید، انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران؛

- عبدی دانشپور، زهره (۱۳۸۷)، درآمدی بر نظریه‌های برنامه‌ریزی با تأکید ویژه بر برنامه‌ریزی با تأکید ویژه بر برنامه‌ریزی شهری، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران؛

- عبدنژاد، همت علی (۱۳۸۶)، طرح هادی روستایی؛ فرصت‌ها و چالش‌ها، مجله دهیاری‌ها، شماره ۲۲؛

- عزیزی، محمد مهدی و آراسته، مجتبی (۱۳۹۰)، ارزیابی تحقیق‌پذیری پیش‌بینی‌های کاربری اراضی و پیشنهاد‌های جهات توسعه در طرح جامع شهر لار، مجله مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، شماره ۱۱، زمستان؛

- عظیمی، نورالدین و جمشیدیان مجاور، مجید (۱۳۸۴)، بررسی اثرات کالبدی اجرای طرح‌های هادی روستایی: مطالعه موردی غرب گیلان، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۲؛

- غلامرضایی، محمدعلی (۱۳۸۲)، ارزشیابی عملکرد طرح هادی در روستاهای استان لرستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد توسعه روستایی، گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه رازی کرمانشاه؛

- فضیجی، امان‌الله (۱۳۸۹)، بررسی کارآمدی نظریه کارکرد گرای، مجله فرهنگی اجتماعی، سال اول، شماره دوم، بهار؛

- قهاری، حسین (۱۳۸۶)، طرح هادی روستایی و دشواری‌های مداخله برای توسعه، مجله دهیاری‌ها، شماره ۲۲؛

- محمدزاده، رحمت (۱۳۸۶)، بررسی اثرات زیست محیطی توسعه فیزیکی شهرها - با تأکید بر شهرهای تهران و تبریز، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره نهم؛

فرعی ساختاری و کارکردی، در تعامل و ارتباط متقابل عمل می‌کنند. بدینسان، می‌توان دریافت که کلیت نظام فضایی، در محیط خود، در تعاملی چند بعدی و بسیار پیچیده بین اجزای گوناگون محیطی - اکولوژیک و اجتماعی - اقتصادی قرار دارد که در نتیجه آن، با نوعی پویایی در گذر زمان تغییر می‌پذیرد» (سعیدی، ۱۳۹۱، ۱۱ - ۱۲).

منابع

- آمار، تیمور و صمیمی شارمی، (۱۳۸۸)، ارزشیابی اثرات کالبدی اجرای طرح هادی روستایی، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۲۷، پاییز؛

- احمدیان، رضا (۱۳۸۲)، طرح‌های توسعه شهری ناکارآمد و تحقق ناپذیر، ماهنامه شهرداری‌ها، شماره ۵۰؛

- افتخاری و همکاران (۱۳۹۰)، بنیان‌های نظریه‌ای برنامه‌ریزی کالبدی مناطق روستایی، انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران؛

- براتی، ناصر (۱۳۸۳)، جهان بینی کل نگر در برابر رویکرد جزء نگر در شهرسازی، مجله باغ نظر، شماره ۱، زمستان؛

- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (۱۳۸۲)، ارزیابی تهیه طرح هادی روستایی (طرح پژوهشی)، انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران .

- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (۱۳۸۸)، ارزشیابی اثرات اجرای طرح هادی روستایی، انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران .

- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (۱۳۹۱)، گامی دیگر (نگاهی به فعالیت‌های عمران روستایی در برنامه چهارم توسعه)، انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران .

- ترکاوند، عباس و همکاران (۱۳۸۷)، ارزیابی اثرات اجرای طرح‌های هادی بر محیط زیست روستاهای ایران، مجله علوم محیطی، سال پنجم، شماره سوم، بهار؛

- تشکر، زهرا (۱۳۷۹)، طرح‌های توسعه شهری ناکارایی در اجراء ماهنامه شهرداری‌ها، شماره ۱؛

- توسلی، غلامعباس (۱۳۷۶)، نظریه‌های جامعه شناختی، سمت، تهران؛

- توسلی، محمود: (۱۳۷۴)، فضای معماری و شهر ایرانی در برابر غرب، فصلنامه هنرهای زیبا، شماره ۱؛

- حبیبی، سید محسن (۱۳۷۵)، مکتب اصفهان، اعتلا و ارتقاء مفهوم دولت، فصلنامه دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲۳؛

- حبیبی، سید محسن (۱۳۷۹)، جامعه مدنی و حیات شهری، مجله هنرهای زیبا، شماره ۷؛

- حبیبی، کیومرث و همکاران (۱۳۹۰)، ارزیابی اثرات طرح‌های توسعه شهری بر ساختار شکنی و ارتقای کیفی فضای شهر کهن ایرانی، فصلنامه شهر ایرانی - اسلامی، شماره ۴، تابستان؛

- FAO. 1993. Guidelines for Land Use Planning. FAO Development Series, No. 1. Rome: FAO. 96 pages.

- Kwakernaak, C. (Hrsg.) 1995. Integrated Approach to Planning and Management of Land:

perationalization of Chapter 10 of UNCED's Agenda 21. SC-DLO Report 107. Wageningen: DLO Winand Staring Centre. 102 pages.